

[اطلاعات شخصی افراد حذف شده است]

[برای وضوح بیشتر فقط مطالب و اخبار مربوط به افراد و جامعه بهائی تایپ شده است]

[برگرفته از سایت: [راديو فردا](#)]

[تاریخ: ۱۰ مهر ۱۳۸۷]

فاضل میبیدی: نهاد سیاست باید از نهاد مذهب جدا باشد

پیوند زدن تصمیم گیری‌های روزمره حکومتی با منابع غیبی و تأثیر آن بر معادلات سیاسی، واکنش‌های متعددی را به ویژه در دوره فعالیت دولت نهم برانگیخته است.

محمود احمدی نژاد، رییس جمهوری ایران، بارها در مدت فعالیت دولت خود، اقدامات دولت نهم را با «مدیریت الهی» پیوند زده و از جمله در نوروز ۱۳۸۷ در سخنانی در مشهد گفت که «ما در این دو سال و نیم، البته در تمام دوران انقلاب، به شما عرض کنم دست این مدیریت الهی را هر روز می بینیم. خدا خودش شاهد است که ما می بینیم و اغراق نمی گویم، ندیده را خدمتان عرض نمی کنم.»

این نگرش بارها مورد انتقاد چهره های مختلف مذهبی و سیاسی در هر دو جناح سیاسی فعال ایران قرار گرفت و از جمله ناطق نوری روحانی سرشناس اصولگرا چندین بار درباره خطرهای خرافه گرایی هشدار داد.

آقای ناطق گرچه در هیچ یک از سخنرانی‌های خود در این باره نامی از رییس جمهور یا دیگر دولتمردان نبرد، اما تصریح کرد که «وقتی کارها به اسم امام زمان تمام شود مردم می گویند لابد وقتی آقا هم بیاید همین طور مدیریت می کند.»

راديو فردا درباره این نگرش، با محمد تقی فاضل میبیدی، عضو شورای مرکزی مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه و استاد دانشکده مفید در قم، که از نظر مراتب حوزوی در رده آیت الله‌ها جای دارد، به گفت و گو نشست است.

راديو فردا: دخالت دادن پیشوایان غایب مذهبی در تصمیم‌گیری‌های روزمره حکومت، بر رفتار سیاسی دولتمردان و رابطه کانون‌های قدرت در جمهوری اسلامی ایران مثلاً رابطه دولت با رهبر، دولت با مجلس و رابطه دولت با مردم، چه تأثیری می تواند داشته باشد؟

فاضل میبیدی: دولتی که خود را به اعتقادات مذهبی مردم وصل کند، بر بخش عظیمی از جامعه مذهبی تأثیر دارد و شاید تأثیر آن مثبت باشد. ولی این تأثیر بر متفکران، نخبگان جامعه، کسانی که اطلاعات دقیق مذهبی دارند و قشر حوزوی و دانشگاهی منفی است.

برخی از چهره‌های جناح اصولگرا بر این باورند که دخالت دادن برخی باورها در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، نه تنها در میان نخبگان مورد انتقاد است بلکه در میان مردم عادی نیز تأثیر مثبتی ندارد.

ما همیشه گفته ایم که نهاد سیاست دولت را باید از نهاد اعتقادات مذهبی کاملاً جدا کرد. دولت باید کار خود را انجام دهد و نهادهای مذهبی نیز کار خود را انجام دهند. این که دولت در نهادهای مذهبی به طرق مختلف دخالت کند، نتیجه مطلوبی ندارد. زیرا هر مشکلی که در جامعه به وجود آید مانند فقر، اعتیاد، بیماری اقتصادی، بیماری سیاسی و شکست سیاست خارجی به حساب مذهب گذاشته می‌شود.

در نتیجه ممکن است میان عامه مردم نتیجه مطلوبی نداشته باشد و مردم فکر کنند به نام دین و مذهب مسایلی را مطرح کردند، ولی نتوانستند آن را حل کنند. پس مذهب از حل مسائل عاجز است.

در حال حاضر نگرانی بسیاری از افراد جامعه مربوط به همین امر است؛ یعنی چرا هر چیزی به امام زمان وصل می شود.

دخالت نکردن نهاد سیاست در نهاد مذهب فقط در صورتی است که رییس جمهور و اعضای دولت، روحانی نباشند، یا اگر دولتمردان روحانی هم باشند باید از در هم آمیختن نهاد سیاست و دین بر کنار بمانند؟

هیچ فرقی نمی کند، بحث مبنایی و تئوریک است. دولت، یعنی سیاست ورزی کردن و سیاست ورزی یک امر کاملاً عقلانی، عرفی و تجربی است.

به نظر من سیاست ورزی دولت، امر شرعی نیست و پایگاه شرعی ندارد. وظیفه دولت در جامعه دینی و اسلامی این است که کاری خلاف نص قرآن و حدیث انجام ندهد، اما این که دولت بخواهد سیاست های خود را با تفسیر خاص شرعی و دینی کند، کار نادرستی است.

به نظر شما ریشه های فکری و انگیزه های روی آوردن به چنین رفتارهایی چیست؟

مسئله مهدویت در عرصه سیاست منحصر به ایران نیست بلکه در سودان و کشورهای آفریقایی هم وجود داشته است.

«ما همیشه گفته ایم که نهاد سیاست دولت را باید از نهاد اعتقادات مذهبی کاملاً جدا کرد. دولت باید کار خود را انجام دهد و نهادهای مذهبی نیز کار خود را انجام دهند.»

محمدتقی فاضل میبیدی

بسیاری افراد چه در قالب مهدویت و چه مسئله آخرالزمانی می خواستند سیاست های خود را جلو ببرند، ولی این سیاست در طول تاریخ شکست خورده است.

اعتقاد به امام زمان بین مسلمانان به ویژه شیعیان مسئله ای جدی است، ولی این که دولت بخواهد سیاست های خود را به مهدویت وصل کند تا در بین توده های مردم جا بیفتد، در نهایت به شکست منجر می شود و ضربه های بزرگی به دین وارد می کند. برخی رفتارها بیانگر این مسئله است که بحث ها تا اندازه ای از اعتقادات فراتر رفته است. به عنوان مثال برای آخرالزمان، زمان تعیین می کنند و می گویند نزدیک است یا تا پایان همین قرن خواهد بود، یا مدیریت پیشوایان غیبی در برخی کارها دیده می شود. نظر شما در مورد این مسئله چیست؟

من خوشبینانه برخورد نمی کنم و معتقدم این مسائل، دکانی بیش نیست. اینکه کسانی که ادعای رویت می کنند و ادعای تعیین زمان ظهور دارند و یا جایگاهی برای ظهور او درست می کنند، دکانی بیش نیست. خوشبختانه مراجع و خبرگان علمی جامعه ما محکم در برابر این دکانداری ها ایستاده اند و اخیراً موضع گیری های خیلی خوبی اتخاذ شده است، به خصوص موضع گیری آقای ناطق نوری در سخنرانی ماه رمضان.

آقای ناطق نوری در سخنرانی امسال خود گفت که «راه ائمه را از علما بیاموزید». این گفته نشانه آن است که دستگاه روحانیت احساس خطر می کند؟

روحانیت نه تنها احساس خطر بلکه احساس تحریف دین می کند. به این معنی که ممکن است عقایدی برای مردم درست شود که مبنای شرعی و علمی ندارد.

مسئله جمکران دوم که آقای ناطق نوری مطرح کرد مطلب درستی است، زیرا جمکران جزو اعتقادات تشیع نبوده است. حتی به نظر من جمکران اول نیز جزو اعتقادات شیعه نیست و فقط [م]کانی است برای عبادت.

آقای فاضل میبیدی! منظور این است که آیا دستگاه روحانیت احساس می کند در خطر حذف شدن قرار دارد و جریان های آخرالزمانی، روحانیت را دور می زنند؟

چنین احساس خطری هنوز وجود ندارد و روحانیت با این چیزها از صحنه اجتماع حذف نمی شود. فقط ممکن است عده ای بخواهند روحانیت را از صحنه سیاست حذف کنند. روحانیت شیعه در میان توده های مردم نفوذ و پایگاه محکمی دارد و با این چیزها حذف نمی شود.

این سیاست های آخرالزمانی، سیاست هایی است که در کشور ما زود به شکست می انجامد.

واقعیت این است که اگر تمام تصمیم‌گیری‌های دولت و حاکمیت متصل به منبع غیبی باشد و از سوی منبع غیبی تأییدیه بگیرد، عملاً فلسفه وجود ولایت فقیه یا دستگاه رهبری منتفی است. این مسئله را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

محمدتقی فاضل میبیدی: بسیاری افراد چه در قالب مهدویت و چه مسئله آخرالزمانی می‌خواستند سیاست‌های خود را جلو ببرند، ولی این سیاست در طول تاریخ شکست خورده است.

آقای ناطق نوری پارسال این مسئله را مطرح و احساس خطر کرد. این احساس خطر در جامعه نیز به شکل ترویج خرافات وجود دارد.

این مسائل از طرف دولتمردان مطرح شده و از آن سوء استفاده می‌شود. اینکه شخصی به سازمان ملل برود و در هر مصاحبه‌ای بگوید که دست امام زمان پشت تمام قضایا است، در میان متولیان دین و متفکران مذهب و سخنران‌هایی چون آقای ناطق نوری، امری مضحک و خنده آور است.

متأسفانه صدا و سیما در پاره ای اوقات به این مسائل دامن می‌زند و این امر جای انتقاد بسیار دارد که چرا در صدا و سیما مسائلی پخش می‌شود که پشتوانه محکم دینی، شرعی و مذهبی ندارد و فقط برای تحریک احساسات و ترویج خرافات است.

آقای فاضل میبیدی! شما که در دوران پیش از انقلاب هم به فعالیت‌های سیاسی و مذهبی اشتغال داشتید، یادتان هست که انجمن ضد بهائیت یا همان «انجمن حجتیه» که آخرالزمانی بودند و پیش از انقلاب توسط انقلابیون به انحراف از مسیر مبارزه متهم می‌شدند، در کنار کارهای نظری و به عنوان کار عملی، هواداران خود را به حمله به بهائیان ترغیب می‌کرد. به تازگی در نماز جمعه طوماری برای امضای نماز گزاران تهیه شده بود که از دادستان کل کشور درخواست می‌شد با بهائیان برخورد کند و آنچه تشکیلات بهائیت خوانده شده بود، منحل شود. آیا این گونه رفتارها، عضوگیری و بسیج هواداران و تحریک آنها نیست؟

مسئله بهائیت در ایران چه دوران پیش از انقلاب و چه پس از آن مسئله بغرنجی بوده است و همیشه این سؤال مطرح بوده که بهائیان چه جایگاهی دارند.

البته آیت الله منتظری اخیراً از حقوق شهروندی بهائیان و اینکه هر انسانی حق شهروندی اش باید محفوظ بماند، دفاع کرد.

بحث‌های مربوط به بهائیت دوباره دارد زنده می‌شود و از سوی دیگر «انجمن حجتیه» نیز تقویت می‌شود. در حالی که تفکر حجتیه مورد قبول بسیاری از بزرگان نیست و حتی خود آیت الله خمینی هم این تفکر را قبول نداشت و تلاش می‌کرد این تفکر در جریان‌های سیاسی کشور نفوذ نکند. دولت باید بر اساس عقل، عرف و تجربه بشری سیاست ورزی کند. این که اعتقاد ورزی کند و این اعتقاد ورزی را در سیاست دخالت دهد، قابل تأمل است.

اگر شما بخواهید عقاید مذهبی خود را در مسائل سیاسی دخالت دهید، ممکن است این اعتقادات مورد باور دیگران نباشد و بسیاری از علماء، مراجع و دانشگاهیان آن را قبول نداشته باشند. ولی اگر سیاست ما بر مبنای علم و عقل و تجربه باشد، مورد قبول اکثریت است.

به عنوان مثال در مسئله انتخابات، مینا دموکراسی و رأی آزاد مردم است. این مسئله سال هاست که در دنیا تجربه شده، ولی اگر من بگویم عقیده ام بر این است که باید نظام به صورت خلیفه‌گری باشد و نه نظام انتخابات پارلمانی، این امر بسیار خطرناک است. ما باید مرزهای اعتقادی را از مرزهای سیاسی کاملاً جدا کنیم.

«گفت و گوی ویژه هفته» را هر دوشنبه در مجله شامگاهی بعد از خبرهای ساعت ۱۹:۳۰ از رادیو فردا پخش می‌شود و باز پخش اول آن سه‌شنبه‌ها پس از خبرهای سی دقیقه بامداد در مجله شامگاهی و بازپخش دوم آن پس از خبرهای ساعت ۱۳ در مجله نیمروزی است.

[متن بالا رونویسی از اصل سند است. اگر به نکته‌ای برخورد کردید که دقیق رونویسی نشده است لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید]